



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۴ فروردین ۱۴۰۴

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - ادامه بررسی دلیل چهارم - مصادف با: ۱۴ شوال ۱۴۴۶

دو دیدگاه دیگر در مورد خروج سیره عقلایی از آیات - ۱. خروج تخصصی سیره از آیات و بررسی آن - اشکال اول

جلسه: ۹۲

سال شانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

نتیجه مباحث گذشته این شد که به نظر محقق خراسانی آیات نمی‌توانند رادع سیره عقلاییه باشند، زیرا اگر بخواهند رادعیت داشته باشند دور پیش می‌آید، لذا سیره مخصص آیات است و آیات به وسیله سیره تخصیص می‌خورند، زیرا علم به ردع شارع از سیره عقلا مبنی بر اخذ به خبر ثقه نداریم و همین برای اعتبار سیره کفایت می‌کند.

وقتی سیره معتبر شد، مخصص آیات می‌شود، چون آیات از مطلق ظنون منع کرده‌اند، اما با پشتوانه سیره عقلاء که از سوی شارع ردع نشده است می‌توانیم بگوییم ظن حاصل از خبر واحد از عموم آیات ناهیه از ظن خارج می‌شود. پس سیره مخصص آیات ناهیه از ظن محسوب می‌شود.

دو دیدگاه دیگر در مورد خروج سیره از آیات

عده‌ای از شاگردان محقق خراسانی با این نظر مخالفت کرده و تخصیص آیات به وسیله سیره را نپذیرفتند بلکه برخی از آنها معتقدند خروج سیره عقلایی بر اخذ به خبر واحد از مطلق ظنون خروج تخصصی است؛ از جمله محقق عراقی، محقق نائینی و محقق خویی که رادعیت آیات از سیره را نفی کرده و می‌گویند خروج سیره عقلایی از آیات خروج تخصصی است. نظر دیگری که به صورت احتمال در کلمات محقق نائینی ذکر شده است خروج سیره عقلایی از آیات ناهیه بالحکومه است. یعنی می‌گویند سیره عقلایی حاکم بر آیات ناهیه است. پس سه نظریه در این موضوع مطرح است:

۱. محقق خراسانی فرمود سیره عقلایی مخصص آیات است، با بیانی که گفتیم.

۲. عده‌ای می‌گویند سیره عقلایی تخصصاً خارج از آیات است.

۳. سیره عقلایی حاکم بر آیات است.

ما نظر محقق خراسانی را دیروز و طی جلسات گذشته مبسوطاً بیان کردیم و اینکه مبنای این مدعا چیست، بیان شد.

۱. خروج تخصصی سیره از آیات

کسانی که می‌گویند آیات رادع از سیره نیستند بلکه سیره تخصصاً از دایره آیات خارج است به چه دلیلی این حرف را می‌زنند؟ مقدماتاً درباره فرق بین تخصص، تخصیص، حکومت و ورود توضیح کوتاهی بیان می‌شود.

اگر خروج از موضوع، حقیقی و تکوینی باشد این می‌شود تخصص.

اگر خروج موضوعی حقیقی ولی به بیان شارع باشد این ورود است.

اگر خروج حکمی باشد تخصیص است.

اگر در دایره موضوع توسعه یا تضییق صورت بگیرد به وسیله شارع و این ادعا تا باشد حکومت است.

به عنوان مثال اگر فرض بفرمایید گفته شد «اکرم العلما الا الفساق» این تخصیص است، حال یا به مخصص متصل یا منفصل، موضوعاً عالم فاسق عالم است اما حکم وجوب اکرام را ندارد.

تخصص عبارت است از خروج موضوعی؛ اگر مثلاً گفته شود «اکرم العلماء» علما را اکرام کن، طبیعتاً خروج زید جاهل از دایره اکرم العلماء، خروج تخصصی است.

اگر گفت «اکرم العلما الا الفاسق» بعد به دلیل دیگری که ناظر به این دلیل است بگویند «المتقی عالم» کسی که متقی است عالم محسوب می‌شود این می‌شود حکومت، یا «اذا شککت فابن علی الاکثر» و «لا شک لکثیر شک» حاکم و محکوم هستند. «لا شک لکثیر الشک» حاکم بر «اذا شککت فابن علی الاکثر» است چون تعبداً کثیرالشک را از دایره شک خارج می‌کند، می‌گویند شخصی که شک او زیاد است اصلاً شک نیست، در حالی که حقیقتاً شک محسوب می‌شود، لذا خروج آن از دایره موضوع می‌شود، خروج تعبدی.

در ورود، خروج مثل تخصص نیست که حقیقی و تکوینی باشد، بلکه خروج حقیقی ولی به بیان شارع است، مثل ورود ادله امارات بر ادله اصول عملیه طبق برخی مبانی. موضوع دلیل مورد را از بین می‌برد، با دلیل وارد موضوع دلیل موعود از بین می‌رود. حال در ما نحن فیه یک عده می‌گویند سیره نسبت به آیات مخصص است. یک عده می‌گویند خروج سیره از آیات تخصصی است، یک عده می‌گویند سیره بر آیات حاکم است. احتمال اینکه سیره بر آیات وارد باشند نیز مطرح است. گمان می‌کنم که بعضی نیز این را گفتند. یعنی هر چهار احتمال یاد شده در نسبت بین سیره و آیات مطرح شده است.

حال پس از ذکر این مقدمه می‌گوییم محقق عراقی و نایینی معتقدند که سیره تخصصاً از آیات خارج است. زیرا عقلاً که به خبر واحد عمل می‌کنند، در واقع یک پایه و اساسی دارد، بر یک مبنایی این کار می‌کنند و آن اینکه خبر واحد را از مصادیق عمل به غیر علم نمی‌دانند. می‌گویند آیه اتباع غیر علم را ممنوع کرده و خبر واحد اصلاً غیر علم نیست. پس خروج خبر واحد از آیات خروج تخصصی است. آیات می‌گویند از غیر علم پیروی نکنید چون «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً». غیر علم یعنی چه؟ چیزی که یقینی نیست، چیزی که احتمال خلاف در آن داده می‌شود را پیروی نکنید. علم یعنی چیزی که احتمال خلاف در آن نیست. علم و یقین یعنی هیچ احتمال خلافی پیرامونش نیست. حال اینکه مطابق واقع باشد یا نباشد بحث دیگری است، آن چیزی که انسان به آن قطع دارد یعنی احتمال خلاف نسبت به آن نمی‌دهد. آیه می‌گوید شما فقط از علم پیروی کنید و از غیر علم پیروی نکنید، هر کجا احتمال خلاف دادید آن را کنار بگذارید و از آن پیروی نکنید. حال می‌آییم سراغ خبر واحد، عقلاً به خبر واحد اخذ می‌کنند، روش و سیره عملی آنها این است که اثر بر خبر واحد مترتب می‌کنند، این بدان جهت است که احتمال خلاف نزد آنها در خبر واحد ملغی شده است، کأنه ظن حاصل از خبر واحد جایگزین علم شده است. به قول محقق نایینی از ظن حاصل از خبر واحد یک علم تعبدی است نه علم حقیقی. البته ایشان این را فقط در مورد خبر واحد نمی‌گویند، همه ظنون خاصه را از این قبیل می‌دانند، ظواهر و هر چیزی که مفید ظن باشد و به تأیید شارع رسیده باشد که ما از آنها تعبیر می‌کنیم به ظنون خاصه، یعنی ظنونی که دلیل بر

اعتبارشان داریم. ایشان می‌گویند اینها اصلاً در نظر عقلا جانشین علم هستند، نازل منزله علم هستند، کأنه علم هستند، لذا از آنها تعبیر می‌کند به علم تبعیدی.

بنابراین اگر ما خبر واحد را علم محسوب کردیم، خروج آن از موضوع آیات ناهیه از ظن خروج تخصصی می‌شود. این آیات نهی می‌کنند از ظن مطلق یا مطلق ظنون. می‌گویند نباید پیروی بکنید چون «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً». حال اگر کسی از علم پیروی کرد مشمول این آیه است؟

منتهی علم گویا دو دسته است علم حقیقی و علم تبعیدی. بالاخره علم تبعیدی هم علم است. چون مفاد آن ادله این است که خبر واحد را نازل منزله علم قرار بدهید. وقتی می‌گویند نازل منزل آن یعنی گویا خود آن، یعنی آن احتمال خلاف را نادیده بگیر. اگر این شد پس خبر واحد از دایره ظنون خارج می‌شود و این خروج خروج تخصصی است. یعنی از موضوع آیات ناهیه از ظن خارج می‌شود «اکرم العلماء» شامل زید جاهل نمی‌شود و خروج آن از علماء خروج تخصصی است، اینجا نیز گفته است از غیر علم تبعیت نکنید، معلوم است تبعیت از علم مشمول این آیه نیست. منتهی این علم، علم حقیقی نیست، علم تبعیدی است.^۱

سوال:

استاد: بنده فعلاً حرف آنها را نقل می‌کنم، اینکه حالا این حرف درست است یا خیر این را باید بررسی کنیم. یکی از سوالات همین است که شما که می‌گویید خبر واحد نازل منزله علم است بر چه اساسی می‌گویید؟

محقق عراقی یک اضافه‌ای هم دارد و می‌گوید ادعای دوریت مانعیت آیات از سیره ادعای درستی نیست، یعنی کأنه محقق عراقی به محقق خراسانی اشکال دارند که اصلاً اینجا دور پیش نمی‌آید؛ تازه اگر از آن ادعای انصراف و خروج موضوعی صرف نظر کنیم. محقق خراسانی گفتند: اگر آیات بخواهد رادع از سیره باشند مستلزم دور است ولی محقق عراقی این را قبول ندارد.

بررسی

خلاصه دیدگاه یاد شده این شد که خروج سیره بر اخذ به خبر واحد از آیات یاد شده خروج تخصصی است، چون خبر واحد علم محسوب می‌شود تبعداً؛ پس اصلاً مشمول آیات ناهیه نیست، آیات از غیر علم نهی می‌کنند و خبر واحد علم است تبعداً؛ کأنه شارع فرموده «نزله منزلة العلم».

اشکال اول

یک اشکال مهم نسبت به این حرف همین است که به ذهن بعضی از دوستان هم رسید و آن این که بر چه اساسی گفته می‌شود خبر واحد نازل منزله علم است؟ بر چه اساسی ادعا شده که احتمال خلاف در خبر واحد نادیده گرفته شود؟ این بالاخره باید از یک جایی نشأت گرفته باشد.

تنها چیزی که می‌تواند به خبر واحد چنین جایگاهی بدهد و آن را تبعداً جای علم بنشانند و نازل منزله آن قرار بدهد تأیید شارع است. یعنی شارع باید امضا بکند یا حداقل ردع نکرده باشد، به گونه‌ای که ما موافقت او را کسب کنیم. اگر ما چنین موضعی از شارع نسبت به خبر واحد دیدیم می‌توانیم بگوییم خبر واحد تبعداً علم محسوب می‌شود، می‌توانیم بگوییم عقلاً به خبر واحد اخذ می‌کنند. لکن این خودش اول بحث است، شما قطعی دانستید که سیره عقلاً بر اخذ به خبر واحد به امضا و تأیید شارع رسیده و به

^۱ نه‌ایة الافکار، جلد ۳، ص ۱۳۷؛ فواید الاصول، ج ۳، ص ۱۹۵.

همین جهت آن را نازل منزله علم قرار دادید. در حالیکه اگر بدانیم که سیره عقلا امضا شده یا تایید شده و می‌خواهیم نسبت بین سیره عقلا و آیات را بسنجیم، این معلوم است که نتیجه چه می‌شود و دیگر نیازی به این بحث‌ها ندارد. اشکالی که محقق خراسانی کردند و مسئله دور را مطرح کردند بر این پایه استوار بود که تکلیف سیره هنوز برای ما معلوم نیست، اشکال دور این بود: اگر آیات بخواهد رادعیت از سیره داشته باشد سیره نباید مخصص باشد، سیره هم در صورتی مخصص نیست که آیات رادعیت داشته باشد. حالا اگر ما امضا و تایید شارع را نسبت به سیره به دست آوردیم اینجا دیگر مسئله روشن و تکلیف معلوم است. اگر تایید شارع نسبت به سیره عقلا به دست بیاید معنایش این است که دیگر آن آیات رادعیت ندارند در حالی که این اول الکلام است که آن آیات رادعیت دارند یا ندارند. این یک مسئله مهمی است که متوجه نظریه تخصص است.

سوال:

استاد: شما همان را هم ببینید، همان را هم ادعا می‌کنید، این قطعاً مورد تایید شارع است ... احسنت، حال ما یک بحثی را بعداً در مورد ملاک حجیت سیره عقلایی خواهیم کرد، چند دیدگاه وجود دارد، اما بحث این است، اگر این امضا مفروغ عنه است، تایید مسلم دانسته شده و به همین جهت نازل منزله علم قرار داده شده، ... بحث این است که آیا عقلا که به خبر واحد اخذ می‌کنند واقعاً این را نازل منزله علم قرار می‌دهند یا خیر؟ ... پس اشکال به اینها به قوت خودش باقی است و شما دارید یک چیز دیگری می‌گویید. ... امضا یک بحث دیگری است، می‌گوییم بله ما قبول داریم این را شارع حجت قرار داده، تایید کرده ... نشد شما در صورتی می‌توانید بگویید خروجش تخصصی است که بگویید هذا علم، اینها می‌گویند نزله منزله العلم؛ ... احسنت باید بین این دو تا تفکیک کرد، می‌گوییم بله، اصلاً بر فرض امضای سیره برای ما قطعی است، یعنی ما یقین داریم شارع این را حجت قرار داده است، اما چرا نگویید تخصیص است، چرا می‌گویید تخصص است؟ ... اتفاقاً ظن است که حجت شده است، ... خبر واحد ظن آور است، عقلا با اینکه خبر واحد ظن آور است به آن اخذ می‌کنند، حجت می‌دانند، شارع نیز همین را تایید کرده اما در صورتی می‌تواند خروج تخصصی باشد که این را نازل منزله علم بدانید، بگویید: این دارد از ظن تبعیت می‌کند و اینها که ظن نیستند، این می‌شود خروج تخصصی. دقت فرمودید؟ مشکل اصلی اینها این است ... خروج تخصصی یعنی از موضوع آیات باید خارج شود، از موضوع آیات چطور خارج می‌شود، اینکه بگوییم اینها ظن نیستند، اصلاً اینا علم هستند، اینطوری که شما تقریر می‌کنید علم نیستند، بله ما می‌گوییم شارع تایید کرده اما نه بما انه علم، نه اینکه بگوید اینها رو نازل منزله علم قرار بده ... آن یک بحث دیگر است.

«والحمد لله رب العالمین»